



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۷	تاریخ	۱۴۰۳/۰۷/۰۳
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نبأ				
عنوان ۶	روش اول: استدلال به مفهوم وصف				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل درس گذشته

بیان شد که محقق عراقی رحمته الله، هم تقریب مرحوم شیخ رحمته الله و هم تقریب مرحوم آخوند رحمته الله را مورد نقد و اشکال قرار داد که خلاصه اشکال ایشان، متمرکز بر این بود که برای مفهوم گیری در قضیه شرطیه و هر قضیه ای که حکم در جزاء، مقید به قید شده باشد، باید قضیه به گونه ای باشد که اگر قید منتفی شد، موضوع در جزاء منتفی نشود. بنابراین این قاعده، ایشان فرمود هم فرمایش مرحوم آخوند مشکل دارد و هم فرمایش شیخ جای اشکال دارد؛ چرا که ایشان موضوع شرط را «نبأ الفاسق» دانست و موضوع که «نبأ» باشد را با «فاسق» که در شرط اخذ شده بود یکی کردند و آن را موضوع جزاء قرار دادند؛ در نتیجه هنگامی که شرط منتفی می شد، موضوع جزاء نیز منتفی می شد؛ زیرا موضوع جزاء به شکلی با شرط ادغام شده بود.

سپس ایشان فرمودند که باید موضوع شرط را «نبأ» مجرد بدانیم؛ نه «نبأ الفاسق» - که مرحوم شیخ فرمود- و نه «النبأ الذی جیء به» - که مرحوم آخوند فرمود- و الا نمی توان مفهوم گیری کرد؛ زیرا در این دو فرض، شرط، در موضوع جزاء دخیل می شود و با انتفای شرط، موضوع جزاء منتفی می شود.

خلاصه اشکال مرحوم شهید صدر رحمته الله بر کلام محقق عراقی رحمته الله این است که آنچه باید اتخاذ مفهوم لازم است، این است که موضوع جزاء، با شرط، متحد نباشد؛ در حالی که محقق عراقی در بیان شان، بر روی جداسازی موضوع شرط از خود شرط متمرکز شدند و تأکید کردند که «نبأ» به تنهایی باید موضوع شرط قرار بگیرد. به عبارت دیگر تمرکز کلام محقق عراقی، بر روی جداسازی موضوع شرط از خود شرط است؛ در حالی که آنچه برای اخذ مفهوم نیاز است، جداسازی شرط از موضوع جزاست؛ تا هنگامی که شرط منتفی می شود، موضوع جزاء منتفی نشود. در نتیجه، اینکه شرط، از موضوع شرط جدا شود، مشکل حل

نمی‌شود؛ زیرا اگر خود شرط با موضوع شرط متحد باشند، مضر به اخذ مفهوم نیست؛ بلکه آنچه مضر به اخذ مفهوم است، این است که شرط، با موضوع جزاء یکی شود که در این صورت است که مفهوم، سالبه به انتفای موضوع خواهد بود. این، خلاصه اشکال مرحوم شهید صدر رحمته الله علیه است. برای اینکه این اشکال به درستی روشن شود، آن را در چند بند بیان می‌کنیم. البته این بیان، مطابق با تقریراتی است که خودمان از درس استاد شهید نوشته‌ایم که آن را نیز با بیان خودمان مطرح می‌کنیم.

بند اول: چهار رکن در قضیه شرطیه وجود دارد: موضوع شرط، خود شرط و موضوع جزاء و خود جزاء (حکم).
بند دوم: چند شکل اتحاد و اختلاف بین این چهار رکن وجود دارد که باید روشن شود کدام یک، در اخذ مفهوم، مضر است.

صورت اول این است که موضوع شرط، با موضوع جزاء متحد شود. این اتحاد، به مفهوم شرط، ضرری وارد نمی‌کند؛ مانند «ان جائك زيد فاکرمه» که زید، هم موضوع شرط است و هم موضوع جزاء که در صورت انتفای شرط، نفی حکم بر همان موضوع (زید) بار می‌شود؛ در نتیجه مفهوم، چنین می‌شود: «ان لم یجئک زید، فلا تکرّم زیداً» که زید، در مفهوم محفوظ مانده است.

صورت دوم این است که موضوع شرط و موضوع جزاء مختلف باشند؛ مانند «ان جائك زيد فاکرم عمرًا» یا مثالی که خود ایشان بیان می‌کنند: «ان جائك زيد فاکرم الفقراء». این اختلاف نیز خللی به اخذ مفهوم وارد نمی‌کند و در صورت انتفای شرط، نفی حکم، بر موضوع جزاء (فقرا) بار می‌شود؛ در نتیجه، مفهوم این می‌شود: «ان لم یجئک زید لا تکرّم الفقراء». صورت سوم این است که شرط، با موضوع جزاء متحد شود. البته معنای این اتحاد، لزوماً این نیست که هر دو عیناً یک چیز باشند؛ بلکه نوعی از اتحاد بین آنها برقرار باشد؛ به گونه‌ای که اگر شرط منتفی شد، موضوع در جزاء نیز منتفی شود؛ به عبارت دیگر، وجود و عدم آن دو با یکدیگر یکی باشد. در این صورت، با انتفای شرط، موضوع جزاء منتفی می‌شود و هنگامی که موضوع جزاء منتفی شود، سالبه به انتفای موضوع می‌شود و دیگر موضوعی وجود نخواهد داشت که نفی حکم بر آن بار شود؛ مانند این مثال معروف: «ان رزقت ولداً فاختنه» که گفته می‌شود، شرط در این مورد، مسوق برای بیان موضوع جزاء است؛ یعنی شرط، با موضوع جزاء متحد است؛ البته اختلاف اعتباری بین آنها وجود دارند؛ مانند اختلاف ایجاد و وجود؛ اما به هر حال یکی هستند.

صورت چهارم - که صورت مهمی است و اشکال شهید صدر رحمته الله علیه بر محقق عراقی رحمته الله علیه، بیشتر در این صورت جلوه می‌کند - این است که بین موضوع شرط و خود شرط اتحاد برقرار شود.

البته باید در نظر گرفت که بین محمول و موضوع، لازم است یک نوع اختلافی وجود داشته باشد و اینطور نیست که کاملاً متحد شوند؛ لذا مراد این است اختلاف اعتباری داشته باشند؛ اما در حقیقت، متحد باشند؛ مانند «زیدٌ موجودٌ» که «زید» با «موجود» یکی است؛ اما جمله، جمله صحیحی است؛ به این علت که یک اختلاف اعتباری بین آنها وجود دارد. بنابراین، اختلاف اعتباری در صحت حمل و جمله، کفایت می‌کند.

ایشان می‌فرمایند اگر بین موضوع شرط و خود شرط اتحاد برقرار شد، مضر به استفاده مفهوم نخواهد بود؛ چنانچه موضوع جزاء، با شرط متحد نباشد. مثالی که ایشان بیان می‌کنند این است: «ان رزقت ولداً فاکرم الفقراء». در این مثال، «ان رزقت»

که شرط است با «ولد» که موضوع شرط است، متلازمین هستند و به یک معنا متحد هستند؛ اما این اتحاد، مضر به استفاده مفهوم نیست؛ زیرا موضوع جزاء، با شرط یکی نیست و اگر شرط منتفی شد، حکم منتفی می شود؛ در حالی که موضوع آن باقی است؛ لذا می توان سلب حکم از موضوع را استفاده کرد و مفهوم چنین می شود: «ان لم ترزق ولداً لا تکرّم الفقراء».

بند چهارم: اشکال مرحوم صدر رحمته الله بر کلام محقق عراقی این است که تمام تلاش ایشان در اثبات این مطلب متمرکز بوده است که موضوع شرط، نباید با خود شرط یکی باشد؛ لذا فرموده اند که «در آیه، باید بین شرط و موضوع شرط تفکیک صورت بگیرد؛ لذا تنها «نبا» باید موضوع شرط قرار بگیرد و «فاسق» و «المجیء به» نباید در آن دخیل باشند - آن طوری که مرحوم شیخ و مرحوم آخوند گفته اند -؛ در حالی که آنچه برای استفاده مفهوم به آن نیاز است، این است که خود شرط، از موضوع شرط جدا باشد؛ نه اینکه شرط، از موضوع شرط جدا باشد.

بنابراین خلاصه اشکال شهید صدر به محقق عراقی این است که ایشان، به روی نقطه ای متمرکز شده اند که دخیلی در افاده مفهوم ندارد؛ یعنی به جای اینکه تلاش برای تفکیک بین شرط و موضوع جزاء انجام دهند، تلاش کردند که بگویند بین شرط و موضوع شرط باید تفکیک قائل شد؛ در حالی که تفکیک یا عدم تفکیک شرط و موضوع شرط، دخیلی در اثبات یا عدم اثبات مفهوم ندارد.

این خلاصه اشکال شهید صدر رحمته الله است؛ گرچه در تقریرات مرحوم هاشمی رحمته الله و آقای حائری رحمته الله، کمی پیچیده مطرح شده است؛ اما جان اشکال، همین است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین